

این مجموعه رایگان عرضه شده

۵ - مقطع راهنمایی

فهرست مطالب

کلاس ششم: نوسانگرها و نشانگرهای لحظه ای

- نشانگرهای هدایت کننده در مقابل نشانگرهای تأخیری
- نشانگرهای هدایت کننده (نوسانگر)
- نشانگرهای تأخیری (نشانگرهای قدرتی)
- خلاصه: نشانگرهای هدایت کننده و تأخیری

کلاس هفتم: الگوهای مهم در نمودارها

- الگوهای نمودار
- دو تایی ها
- الگوی سر و شانه ها
- الگوهای وِج (Wedge)
- الگوهای مستطیلی
- الگوهای پرچم
- الگوهای مثلث
- نحوه‌ی مبادله از طریق الگوهای نمودار
- برگه‌ی تقلب برای الگوهای نمودار

کلاس هشتم: نقاط تغییر قیمت

- نقاط تغییر قیمت در بازار فارکس
- نحوه‌ی محاسبه‌ی نقاط تغییر
- معامله در محدوده قیمت با کمک نقاط تغییر
- معامله در شکست قیمت با کمک نقاط تغییر
- روش‌های دیگر برای محاسبه‌ی نقطه‌ی تغییر
- خلاصه: نقاط تغییر



روند کجاست؟

قبلاً ابزارهای زیادی را که می‌توانند به شما کمک کنند فرصت‌های شکل‌گیری روند بالقوه و مبادله‌ی محدود به دامنه را تحلیل کنید بررسی کردیم. تا اینجا که مشکلی ندارید؟ عالی است! بیایید پیش برویم.

در این درس استفاده‌ی شما از این نشانگرهای نمودار را هدایت می‌کنیم.

می‌خواهیم کاملاً نقاط قوت و ضعف هر ابزار را درک کنید تا بتوانید تعیین کنید که کدام موارد برایتان مناسبند و کدام موارد نیستند.

بیایید ابتدا در مورد برخی از مفاهیم بحث کنیم. دو نوع نشانگر وجود دارد: هدایت‌کننده و تأخیری. نشانگر هدایت‌کننده قبل از وقوع روند جدید یا وارونگی نشانه می‌دهد.

نشانگر تأخیری، بعد از آغاز روند نشانه می‌دهد و به شما می‌گوید: «هی رفیق، حواست را جمع کن. روند شروع شده و تو تأخیر جا مانده‌ای».

حتماً با خودتان فکر می‌کنید: «اوه با نشانگرهای هدایت‌کننده پولدار می‌شوم!» چون می‌توانید درست قبل از آغاز روند جدید سود به دست آورید.

درست فکر می‌کنید.

اگر نشانگر هدایت‌کننده هر بار درست باشد می‌توانید روند را «به دست می‌آورید». اما این طور نیست.

وقتی از نشانگرهای هدایت‌کننده استفاده می‌کنید با موارد نادرست زیادی روبرو می‌شوید. نشانگرهای هدایت‌کننده به این مشهورند که نشانه‌های اضافی می‌دهند که ممکن است شما را «گمراه کنند».

متوجه شدید؟ نشانگرهای هدایت‌کننده ممکن است شما را «گمراه کنند».

گزینه‌ی دیگر استفاده از نشانگرهای تأخیری است که به این اندازه در برابر نشانه‌های اضافی آسیب پذیر نیستند.

نشانگرهای تأخیری تنها پس از آن که تغییر قیمت به روشنی روندی ایجاد کرد نشانه می‌دهند. ایراد آن‌ها این است که برای موضع گرفتن کمی دیر خواهد بود.

اغلب بزرگ‌ترین فایده‌ی یک روند در چند میله‌ی اول رخ می‌دهد پس با استفاده از نشانگر تأخیری ممکن است بیشتر سود را از دست بدهید و این خیلی بد است.

برای هدف این درس بیایید تمام نشانگرهای فنی‌مان را در دو دسته جای دهیم:

۱. نشانگرهای هدایت کننده یا نوسانگر

۲. نشانگرهای تأخیری، دنباله‌روی روند یا قدرتی

ممکن است این دو از یکدیگر پشتیبانی کنند اما بیشتر احتمال دارد که با یکدیگر در تناقض باشند. حرف ما این نیست که منحصراً باید از یکی از آن‌ها استفاده شود بلکه باید معایب احتمالی هر یک را درک کنید.

نشانگرهای هدایت کننده (نوسانگر)

نوسانگر، هر آیتیم یا داده‌ای است که بین دو نقطه در حرکت باشد.

به عبارت دیگر همیشه در جایی بین نقطه‌ی A و B قرار می‌گیرد. به زمانی فکر کنید که کلید روشن در پنکه‌ی برقی‌تان را می‌زنید.

نشانگرهای فنی شما باید یا «روشن» باشند یا «خاموش». به بیان خاص‌تر نوسانگر معمولاً یا «خرید» را نشان می‌دهد یا «فروش». تنها استثنائات مواردی هستند که نوسانگر به روشنی در هیچ یک از دو انتهای دامنه‌ی خرید/فروش قرار ندارد.

آیا آشنا به نظر می‌رسد؟ باید این طور باشد!

نشانگرهای تصادفی، SAR سهمی شکل و قدرت نسبی (RSI) همگی نوسانگر هستند. هر یک از این نشانگرها برای این طراحی شده که وارونگی احتمالی را نشان دهد که در آن روند قبلی جریان خود را طی کرده و قیمت آماده‌ی تغییر جهت است.

بیایید نگاهی به چند مثال داشته باشیم.

ما هر سه نوسانگر در نمودار روزانه‌ی زیر برای پوند انگلیس / دلار آمریکا را بررسی کردیم. در مورد نحوه‌ی استفاده از نشانگرهای تصادفی، SAR سهمی شکل و RSI صحبت کردیم.

اگر به یاد نمی‌آورید باید به کلاس پنجم برگردید!

به هر حال چنان که در نمودار می‌بینید، هر سه نشانگر تا آخر دسامبر نشانه‌ی خرید می‌دهند. انجام این معامله حدود ۴۰۰ واحد سود داشته. چه جالب!



سپس در هفته‌ی سوم ژانویه، نشانگرهای تصادفی، SAR سهمی شکل و RSI همگی نشانه‌ی فروش دادند و بر حسب این سه ماه افول طولانی بعدی اگر مبادله‌ی فروش را انجام داده باشید بسیار سود کرده‌اید.

حدود اواسط آوریل هر سه نوسانگر یک نشانه‌ی فروش دیگر دادند که پس از آن قیمت دوباره کاهش شدید پیدا کرد.

حالا بیایید نگاهی به اشتباه همین نوسانگرهای هدایت کننده داشته باشیم تا ببینید که نشانه‌ها هم بی‌عیب و نقص نیستند.

در نمودار زیر می‌توانید ببینید که نشانگرها ممکن است نشانه‌های ضد و نقیض بدهند.

مثلاً SAR سهمی شکل در اواسط فوریه نشانه‌ی فروش داد در حالی که نشانگر تصادفی نشانه‌ی دقیقاً برعکس آن را داد. باید از کدامشان پیروی کنید؟

خب، به نظر می‌رسد RSI هم به اندازه‌ی خود شما نامطمئن است چون در آن زمان نه نشانه‌ی خرید داده و نه فروش.



با توجه به نمودار فوق به راحتی می‌توانید ببینید که نشانه‌های نادرست زیادی نمایان شده‌اند.

در هفته‌ی دوم آوریل نشانگرهای تصادفی و همچنین RSI نشانه‌ی فروش دادند در حالی که SAR سهمی شکل نشانه‌ای نداد. از آنجا به بعد قیمت همچنان افزایش داشت و اگر بلافاصله به قیمت پایین می‌فروختید ضرر می‌کردید.

اگر از این نشانه‌های خرید نشانگرهای تصادفی و RSI پیروی می‌کردید و صرفاً نشانه‌ی فروش SAR سهمی شکل را نادیده می‌گرفتید، در اواسط ماه می باز هم ضرر می‌کردید.

چه اتفاقی برای این نشانگرهای خوب افتاده؟

پاسخ این سؤال در روش محاسبه‌ی هر یک است.

نشانگر تصادفی بر اساس دامنه‌ی بالا به پایین دوره‌ی زمانی است (در این مورد ساعتی)، اما تغییرات هر ساعت تا ساعت بعد را در نظر نمی‌گیرد.

نشانگر قدرت نسبی (RSI) از تغییر یک قیمت بسته شده تا بعدی استفاده می‌کند.

SAR سهمی شکل محاسبات منحصر به فرد خود را دارد که می‌تواند باعث تناقض بیشتر شود.

این ماهیت نوسانگرهاست. آن‌ها فرض می‌کنند که یک حرکت قیمت خاص همیشه منجر به وارونگی یکسان می‌شود. البته این بی‌معنی است.

حتی اگر از این آگاه باشیم که چرا یک نشانگر هدایت کننده ممکن است نادرست باشد، راهی برای اجتناب از آن‌ها نداریم.

اگر نشانه‌های در هم و بر همی دریافت می‌کنید، بهتر است هیچ کاری نکنید تا «بهترین حدس» را بزنید. اگر نموداری تمام معیارهای شما را برآورده نمی‌کند به زور معامله نکنید!

به سراغ مورد بعدی بروید که معیارهایتان را برآورده می‌کند.

نشانه‌های تأخیری (نشانه‌های قدرتی)

چطور می‌توانیم یک روند را پیدا کنیم؟

نشانه‌هایی که می‌توانند این کار را انجام دهند MACD و میانگین‌های در حال حرکت هستند.

این نشانه‌ها وقتی روندی برقرار شد آن را پیدا می‌کنند البته به این قیمت که ورود دیر هنگام صورت می‌گیرد.

مزیت آن‌ها این است که احتمال اشتباه کمتر است.



در نمودار فوق مبنی بر پوند انگلیس / دلار امریکا، ۱۰ EMA (آبی)، ۲۰ EMA (قرمز) و MACD را قرار داده‌ایم.

حدود ۱۵ اکتبر ۱۰ EMA از بالای ۲۰ EMA گذشت که در جهت صعودی بود.

به همین شکل MACD رو به بالا عبور کرد و نشانه‌ی خرید داد.

اگر در آن زمان معامله‌ی طولانی می‌کردید از روند رو به بالای پس از آن استفاده می‌کردید.

بعداً هر دوی میانگین حرکت و MACD چند نشانه‌ی فروش دادند.

بر حسب روندهای رو به پایین قوی که رخ دادند، این معامله‌های فروش بسیار سودده بوده‌اند.

می‌توانم برق ثروت را در چشمانتان ببینم!

حالا بیایید به نمودار دیگری توجه کنیم تا ببینیم که این نشانه‌های عبور گاهی ممکن است نشانه‌ی غلط بدهند. به این‌ها «نشانه‌های نادرست» می‌گوییم.



در ۱۵ مارس، MACD عبوری در جهت ترقی داشت در حالی که میانگین‌های حرکت هیچ نشانه‌ای نداشتند.

اگر از نشانه‌ی خرید MACD پیروی می‌کردید، بعدها متوجه می‌شدید که این نشانه اشتباه بوده است.

به همین شکل نشانه‌ی خرید MACD در پایان ماه می همراه با عبور میانگین حرکت نبود. اگر در آن زمان وارد معامله‌ی درازمدت می‌شدید بعداً ضرر می‌کردید چون کمی بعد قیمت کاهش پیدا کرد.

چه بد!

خلاصه: نشانگرهای هدایت کننده و تأخیری

خلاصه‌ای از این درس:

دو نوع نشانگر وجود دارد: هدایت کننده و تأخیری.

۱. نشانگر هدایت کننده یا نوسانگر قبل از وقوع روند جدید یا وارونگی نشانه می‌دهد.

۲. نشانگر تأخیری یا قدرتی، پس از آغاز روند نشانه می‌دهد.

اگر بتوانید نوع بازاری را که در آن معامله می‌کنید مشخص کنید می‌توانید بفهمید که کدام نشانگرها نشانه‌های درست می‌دهند و کدام‌ها در آن زمان بی‌ارزش هستند.

چطور می‌توانید بفهمید که در چه زمانی از نوسانگر استفاده کنید، چه زمانی از قدرتی و چه زمانی از هر دو؟

این یک سؤال یک میلیون دلاری دیگر است! به هر حال می‌دانیم که همیشه این نشانگرها به دنبال هم عمل می‌کنند.

فعلاً فقط بدانید که وقتی بتوانید نوع بازاری را که در آن معامله می‌کنید تشخیص دهید، می‌دانید که کدام نشانگرها نشانه‌ی درستی می‌دهند و کدام‌ها در آن زمان بی‌ارزش هستند.

این کار راحتی نیست، اما مهارتی است که به تدریج با کسب تجربه‌ی بیشتر کسب می‌کنید.

به علاوه ...

شما تنها نیستید!

در بخش‌های بعدی به شما آموزش می‌دهیم چطور به درستی محیط بازاری را که در آن هستید مشخص کنید تا بهتر از نشانگرها استفاده کنید!

الگوهای نمودار

تا به اینجا برای نبرد در بازار، سلاح‌های زیادی به دست آورده‌اید. در این درس یک سلاح دیگر هم به دست می‌آورید: الگوهای نمودار! الگوهای نمودار را یک ردیاب معادن زمینی در نظر بگیرید چون وقتی درس را تمام کردید، می‌توانید قبل از وقوع «انفجار» آن‌ها را پیدا کنید و این به شما قابلیت کسب پول زیاد در فرآیند را می‌دهد.

در این درس الگوهای نمودار پایه و آرایش‌ها را به شما می‌آموزیم. در صورت کشف درست معمولاً منجر به یک انفجار ناگهانی می‌شود، پس مواظب باشید!

به یاد داشته باشید، هدف ما این است که حرکت‌های بزرگ را قبل از روی دادن پیدا کنیم تا بتوانیم از پس آن‌ها بر بیاییم و سود کنیم. به هر حال چه کسی دوست ندارد مثل ریچی ریچ در استخری از پول شنا کند؟

آرایش نمودار به ما کمک زیادی در پیدا کردن شرایطی می‌کند که بازار آماده‌ی اتفاقات ناگهانی است. همچنین می‌تواند نشان دهد که آیا قیمت در جهت فعلی ادامه می‌یابد یا معکوس می‌شود تا بتوانیم راهبردهای معامله‌ی زیرکانه‌ای برای این الگوها ترتیب دهیم.

نگران نباشید. یک برگه‌ی تقلب کوچک و تمیز به شما می‌دهیم تا این الگوها و راهبردهای جالب را فراموش نکنید!

فهرستی از الگوهایی که در موردشان صحبت خواهیم کرد:

- "دوسقف بالا" و "دو دره پایین"
- سر و شانه‌ها و سر و شانه‌های معکوس
- شکاف‌های صعودی و نزولی
- مستطیل‌های ترقی و افول
- پرچم‌های ترقی و افول
- مثلث‌ها (مقارن، صعودی و نزولی)

الگوهای دو تایی‌ها

الگوی دو سقف

"دو سقف بالا" یک الگوی معکوس است که بعد از این که حرکت گسترده‌ای رو به بالا انجام گرفت شکل می‌گیرد. «بالاها» اوج‌هایی هستند که وقتی قیمت به سطح معینی می‌رسد که نمی‌تواند شکسته شود شکل می‌گیرند.

قیمت بعد از رسیدن به این سطح کمی از آن برمی‌گردد، اما سپس دوباره برمی‌گردد تا همان سطح را بیازماید. اگر قیمت دوباره از آن سطح برگردد "دو سقف بالا" دارید!

در نمودار فوق می‌توانید ببینید که دو اوج «بالا» پس از حرکت قوی رو به بالا شکل گرفته‌اند.

توجه کنید که چگونه دومین بالا نتوانسته از ارتفاع اولین بالا بیشتر برود. این نشانه‌ی قوی‌ای است مبنی بر این که وارونگی رخ خواهد داد چون به ما می‌گوید که فشار خرید تقریباً تمام شده است.



با دو بالا ترتیب ورودمان را زیر خط گردن قرار می‌دهیم چون وارونگی روند رو به بالا را پیش‌بینی کرده‌ایم.



وای! حتماً قدرت پیشگویی داریم چون همیشه درست حدس می‌زنیم!

با توجه به نمودار می‌توانید ببینید که قیمت خط گردن را می‌شکند و کاهش قابل توجهی دارد. به یاد داشته باشید که دو بالا یک وارونگی معکوس هستند بنابراین بهتر است قبل از روند قوی رو به بالا به این‌ها توجه کنید.

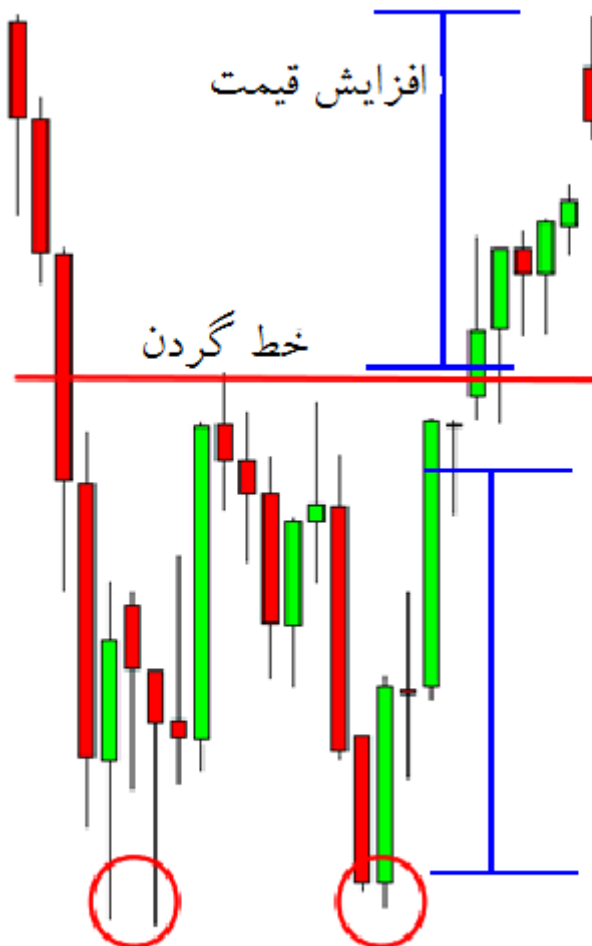
به علاوه متوجه می‌شوید که کاهش قیمت تقریباً به همان ارتفاع شکل‌گیری دو بالاست. این را به یاد داشته باشید چون در تعیین اهداف سود برایتان مفید خواهد بود.



"دو کف (پایین)" نیز یک وارونگی روند است اما این بار می‌خواهیم قیمت بالا بدهیم نه پایین. این اتفاقات پس از روندهای رو به پایین گسترده رخ می‌دهند، وقتی دو فرورفتگی یا «پایین» شکل گرفته‌اند.



در نمودار فوق می‌توانید ببینید که بعد از روند رو به پایین قبلی، قیمت دو فرورفتگی تشکیل داده چون نتوانسته از سطح معینی پایین‌تر برود. توجه داشته باشید که دومین پایین نتوانسته از حد اولین پایین زیاد فراتر برود. این نشانه‌ای است از آن که فشار فروش تقریباً تمام شده و قرار است وارونگی اتفاق بیافتد.



وای، این را ببین!

قیمت خط گردن را شکست و افزایش خوبی داشت.

می‌بینید که چگونه قیمت تقریباً به اندازه‌ی دو پایین افزایش داشته؟

به یاد داشته باشید، دو پایین هم مثل دو بالا وارونگی روند است. بهتر است قبل از روند رو به پایین قوی نگاهی به این‌ها داشته باشید.

الگوی سر و شانه‌ها

الگوی سر و شانه‌ها نیز یک وارونگی روند است.

این الگو از یک اوج (شانه) و سپس یک اوج بالاتر (سر) و سپس دوباره یک اوج پایین (شانه) تشکیل شده است. «خط گردن» با متصل کردن پایین‌ترین نقاط دو فرورفتگی ایجاد می‌شود. شیب این خط ممکن است رو به بالا یا پایین باشد. معمولاً وقتی شیب پایین است نشانه‌ی قابل اطمینان‌تری ارائه می‌دهد.



در این مثال به راحتی می‌توانیم الگوی سر و شانه‌ها را ببینیم.

سر دومین اوج و بالاترین نقطه در الگو است. دو شانه نیز اوج هستند اما به ارتفاع سر نمی‌رسند.

بدین شکل ترتیب ورود را زیر خط گردن قرار می‌دهیم.

همچنین می‌توانیم هدف را با اندازه‌گیری نقطه‌ی بالای سر در خط گردن محاسبه کنیم. این فاصله تقریباً برابر با میزان تغییر قیمت پس از شکستن خط گردن است.



می‌توانید ببینید که وقتی قیمت از خط گردن پایین‌تر می‌رود تغییری دارد که حداقل به اندازه‌ی فاصله‌ی بین سر و خط گردن است.

می‌دانیم که با خودتان می‌گویید «قیمت همچنان در حال تغییر بود حتی بعد از آن که به هدف رسید».

و جواب ما این است: «حریص نشوید!»

سر و شانه‌های معکوس

از نامش معلوم است. همان سر و شانه‌ها اما در جهت وارونه.

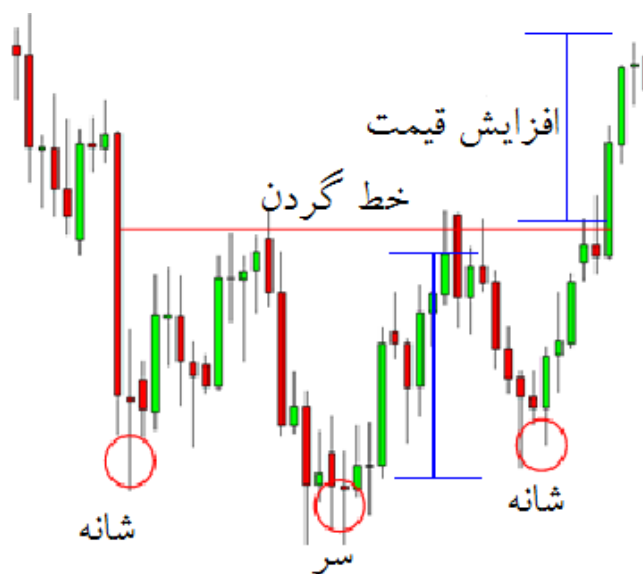
یک فرورفتگی شکل می‌گیرد (شانه) و سپس یک فرورفتگی پایین‌تر (سر) و بعد یک فرورفتگی بالاتر (شانه). این‌ها بعد از حرکت‌های

گسترده رو به پایین رخ می‌دهند.



در اینجا می‌توانید ببینید که مانند الگوی سر و شانه‌ها اما معکوس آن است. در این حالت ترتیب ورود طولانی را بالای خط گردن قرار می‌دهیم.

هدف ما مانند الگوی سر و گردن محاسبه می‌شود. فاصله‌ی بین سر و خط گردن را اندازه‌گیری کنید. این تقریباً مقداری است که قیمت بعد از شکستن خط گردن تغییر می‌کند.



می‌توانید ببینید که قیمت بعد از شکستن خط گردن افزایش خوبی داشت.

اگر به هدف‌تان برسید پس باید از سودتان راضی باشید. اما در برخی از تکنیک‌های مدیریت مبادلات ممکن است مقداری از سودتان را ببندید و باز هم مبادلاتتان را باز بگذارید تا شاید قیمت در جهت مطلوب شما حرکت کند.

بعداً در مورد این‌ها یاد خواهید گرفت.

الگوهای وِج (Wedge)

وج‌ها نشانه‌ی توقف در روند فعلی هستند. وقتی با چنین الگویی روبرو می‌شوید این نشان می‌دهد که مبادله‌کنندگان هنوز دارند تصمیم می‌گیرند که در مرحله‌ی بعد دو ارز را به کجا ببرند.

وج‌ها می‌توانند الگوی ادامه یا وارونگی باشند.

وج‌های صعودی

وج‌ی صعودی وقتی شکل می‌گیرد که قیمت بین تکیه‌گاه شیب رو به بالا و خطوط مقاومت یکی می‌شود.

در اینجا شیب خط تکیه‌گاه کم‌تر از مقاومت است. این نشان می‌دهد که پایین‌های بالاتر سریع‌تر از بالا‌های بالاتر شکل می‌گیرند. این منجر به الگوی وج مانند می‌شود.

با یکی شدن قیمت‌ها می‌دانیم که اتفاق بزرگی در راه است و تغییری ناگهانی در جهت بالا یا پایین خواهیم داشت.

اگر وج‌ی صعودی بعد از روند رو به بالا شکل بگیرد، معمولاً یک الگوی وارونه‌ی افول است.

از سوی دیگر اگر در طی روند رو به پایین شکل بگیرد، می‌تواند نشان‌دهنده‌ی ادامه‌ی حرکت رو به پایین باشد.

به هر حال مهم این است که وقتی متوجه آن می‌شوید آماده‌ی ورود هستید.



در این مثال اول یک وجی صعودی در پایان روند رو به بالا شکل گرفت. توجه داشته باشید که اقدام قیمت چگونه بالاها جدیدی تشکیل می‌دهد اما با سرعتی بسیار پایین‌تر از وقتی که قیمت پایین‌های بالاتری دارد.



بینید که چگونه قیمت پایین آمد. این یعنی مبادله کنندگان زیادی هستند که ترجیح می‌دهند به قیمت پایین بفروشند نه بالا!

آن‌ها قیمت را پایین آوردند تا خط روند را بشکنند و نشان دادند که ممکن است روند رو به پایین در آینده دیده شود.

درست مانند دیگر الگوهای نمودار که قبلاً در مورد آن‌ها صحبت کردیم، تغییر قیمت بعد از این تغییر ناگهانی تقریباً به همان بزرگی ارتفاع الگوی شکل گرفته است.

حالا بیایید نگاهی به مثال دیگری از وجی صعودی داشته باشیم. اما این بار به صورت نشانه‌ی ادامه‌ی افول عمل می‌کند.



چنان که می‌بینید، قیمت قبل از تثبیت و طراحی بالاها بالاتر و حتی پایین‌های بالاتر از یک روند رو به پایین آمده است.



در این مورد قیمت کاهش یافت و شکست و روند رو به پایین ادامه پیدا کرد. به این دلیل است که به آن نشانه‌ی ادامه می‌گویند.

ببینید قیمت چه تغییر جالبی رو به پایین داشته که دقیقاً به اندازه‌ی وج است.

تا اینجا چه یاد گرفتیم؟

وجی صعودی که بعد از روند رو به بالا شکل می‌گیرد معمولاً منجر به وارونگی (روند رو به پایین) می‌شود در حالی که وجی صعودی که در طی روند رو به پایین شکل می‌گیرد معمولاً منجر به ادامه می‌شود (روند رو به پایین).

به بیان ساده وجی صعودی منجر به روند رو به پایین می‌شود که یعنی یک الگوی نمودار افول است.

وجی نزولی

وجی نزولی هم درست مانند وجی صعودی ممکن است نشانه‌ی وارونگی یا ادامه باشد.

به عنوان نشانه‌ی وارونگی در پایین روند رو به پایین شکل می‌گیرد و نشان دهنده‌ی این است که روند بعدی رو به بالاست.

به عنوان نشانه‌ی ادامه، در طی روند رو به بالا شکل می‌گیرد و بدین معناست که اقدام قیمت رو به بالا از سر گرفته می‌شود. بر خلاف وجی صعودی یک الگوی نمودار متری است.



در این مثال وجهای نزولی یک نشانه‌ی وارونگی هستند. بعد از روند رو به پایین قیمت، بالاهای پایین تر و پایین‌های پایین تر ایجاد کرد.

توجه داشته باشید که خط روند نزولی که بالاها را متصل می‌کند شیب بیشتری نسبت به خط روندی دارد که پایین‌ها را متصل می‌کند.



در شکست بالاتر از بالای وج، دو ارز تغییر خوبی رو به بالا داشته که تقریباً برابر با ارتفاع الگو است. در این مورد افزایش قیمت بیشتر از میزان هدف بوده است!

بیا نگاهی داشته باشیم به مثالی که در آن وج‌های نزولی نشانه‌ی ادامه هستند. چنان که قبلاً گفتیم وقتی وجی نزولی در طی روند رو به بالا شکل می‌گیرد معمولاً نشان دهنده‌ی این است که روند بعداً دوبار از سر گرفته خواهد شد.



در این مورد قیمت کمی بعد از افزایش شدید ثابت شد. شاید معنایش این باشد که خریداران کمی صبر کردند تا نفسی تازه کنند و احتمالاً افراد بیشتری را جذب کردند تا با پیش خرید سهام قیمت را بالا ببرند.

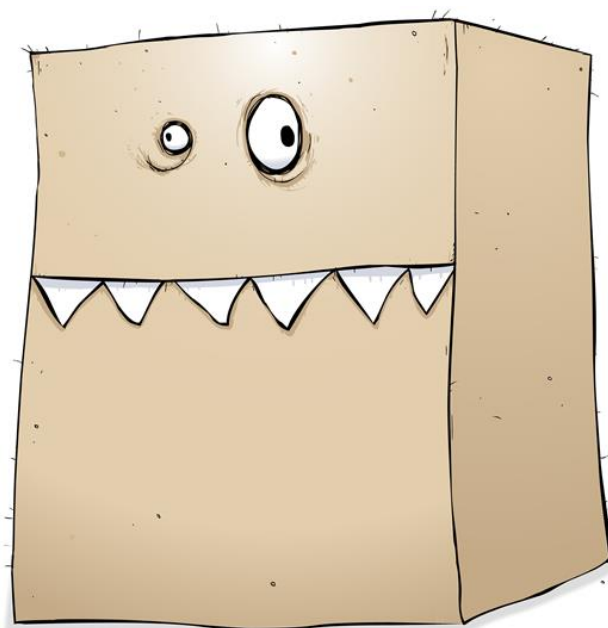
ظاهراً دو ارز در حال آماده شدن برای تغییری قدرتمند است. به چه جهتی خواهد رفت؟



می بینید چگونه قیمت در قسمت بالایی شکست و بالاتر هم رفت؟

اگر ترتیب ورود را بالای این روند نزولی قرار دهیم که بالاهاى دو ارز را به یکدیگر متصل کرده، می توانیم به روند قوی رو به بالا پیوندیم و سود کنیم! هدف خوب بالا، ارتفاع وجی شکل گرفته است.

اگر می خواهید سود بیشتری به دست آورید، می توانید مقداری از سود را با بستن بخشی از موقعیتتان در هدف نگه دارید و بعد بگذارید که بقیه ی موقعیتتان به روند خود ادامه دهد.



مستطیل الگویی است که وقتی قیمت محدود به سطوح تکیه و مقاومت موازی است شکل می گیرد.

مستطیل نشان دهنده‌ی دوره‌ی استحکام یا عدم قطعیت بین خریداران و فروشندگان است، در حالی که آن‌ها به نوبت به یکدیگر مشت می‌زنند اما هیچ کدام پیروز نمی‌شوند.

قیمت سطوح تکیه و مقاومت را بارها قبل از آن که در نهایت تغییر ناگهانی صورت گیرد، «می‌آزماید». از آنجا قیمت می‌تواند در جهت تغییر ناگهانی باشد خواه رو به بالا یا پایین.



در مثال فوق به روشنی می‌توانیم ببینیم که دو ارز با دو سطح قیمت کلیدی محدود شده که موازی یکدیگر هستند. فقط باید صبر کنیم تا زمانی که یکی از این سطوح بشکند و روند را در پیش بگیرد. به یاد داشته باشید وقتی مستطیلی دیدید: محدود فکر نکنید!

مستطیل افول

مستطیل افول وقتی شکل می‌گیرد که قیمت مدتی در طول روند رو به پایین ثابت می‌شود. دلیل این اتفاق این است که فروشندگان احتمالاً باید صبر کنند و قبل از پایین‌تر بردن دو ارز نفسی تازه کنند.



در این مثال قیمت پایین مستطیل را شکست و همچنان به کاهش ادامه داد. اگر فروش ارزان زیر سطح تکیه داشتیم سود زیادی از این مبادله به دست می‌آوردیم.



یک توصیه: وقتی دو ارز از تکیه گاه هم پایین تر رفت، تغییری در حدود اندازه‌ی الگو خواهد داشت. در مثال فوق دو ارز از هدف فراتر رفت تا فرصتی برای کسب سود بیشتر باشد.

مستطیل ترقی

یک مثال مستطیلی دیگر: این بار مستطیل ترقی. بعد از روند رو به بالا قیمت متوقف شد و کمی ثابت ماند. می‌توانید حدس بزنید قیمت بعد از این چه روندی طی خواهد کرد؟



اگر پاسخ شما، روند رو به بالا بود، درست جواب دادید! این تغییر ناگهانی رو به بالا را ببینید!



توجه داشته باشید که چگونه قیمت بعد از شکستن بالای مستطیل بالا رفت. اگر قصد فروش به قیمت بالای سطح مقاومت داشته باشیم، با این معامله سود می‌کنیم.

درست مانند مثال مستطیل افول وقتی دو ارز می‌شکند معمولاً تغییری می‌کند که حداقل به اندازه‌ی دامنه‌ی قبلی است.

پرچم‌ها نیز مانند مستطیل‌ها الگوهای تکراری هستند که بعد از تغییرات قوی شکل می‌گیرند.

بعد از تغییر بزرگ در جهت بالا یا پایین، خریداران یا فروشندگان معمولاً دست نگه می‌دارند تا قبل از آن که دو ارزششان را در همان جهت پیش ببرند، نفسی تازه کنند. به این دلیل قیمت معمولاً ثابت می‌شود و یک مثلث کوچک متقارن تشکیل می‌دهد که پرچم نام دارد.

وقتی قیمت هنوز در حال ثابت شدن است معمولاً خریداران یا فروشندگان بیشتری تصمیم می‌گیرند به این تغییر قوی بپیوندند و قیمت را از الگوی پرچم خارج نمایند.

پرچم افول در طی روند پایین پُر شیب و تقریباً عمودی شکل می‌گیرد. بعد از کاهش شدید قیمت برخی از فروشندگان تصمیم می‌گیرند به روند بپیوندند و قیمت را مدتی ثابت نگه دارند.



به محض این که فروشندگان کافی وارد روند شوند، قیمت به زیر پرچم می‌شکند و همچنان کاهش پیدا می‌کند.



چنان که می‌توانید ببینید، بعد از آن که قیمت شکست و پایین رفت، کاهش قیمت از سر گرفته شد. برای مبادله‌ی این الگوی نمودار ترتیب کوتاهی در پایین پرچم قرار می‌دهیم و ضرر توقف در بالای پرچم قرار دارد. بدین شکل، اگر شکست نادرست باشد بلافاصله از معامله خارج می‌شویم.

بر خلاف دیگر الگوهای نمودار که در آن‌ها اندازه‌ی تغییر بعدی تقریباً به اندازه‌ی الگو است، پرچم‌ها نشان دهنده‌ی تغییرات بسیار قوی‌تر هستند. معمولاً اندازه‌ی تغییر قدیمی‌تر (که تیر پرچم نام دارد) برای برآورد اندازه‌ی تغییر شکست به کار می‌رود.

پرچم ترقی

پرچم ترقی چنان که از نامش پیداست، نشان می‌دهد که افزایش قرار است ادامه یابد. این بدان معناست که افزایش شدید قیمت بعد از یک دوره‌ی کوتاه تثبیت از سر گرفته خواهد شد، هنگامی که انرژی کافی جمع شد تا قیمت دوباره بالاتر برود.



در این مثال قیمت قبل از توقف صعود عمودی شدیدی داشت. می توانم حس کنم که قرار است انرژی برای حرکت جدیدی جمع شود.



درست چنان که پیش‌بینی کردیم، قیمت بعد از شکست، صعود قوی دیگری داشت. برای این کار باید فروش به قیمت بالا را بالای پرچم و توقف را زیر پایین پرچم قرار دهیم تا از اشتباه جلوگیری کنیم.

چنان که قبلاً هم گفتیم، اندازه‌ی تغییر ناگهانی حدود اندازه‌ی تیر پرچم است (یا اندازه‌ی تغییر قبلی). می‌دانید، ممکن است اندازه‌ی پرچم‌ها کوچک باشد اما تغییر قیمت بزرگی را نشان می‌دهند پس بهتر است آن‌ها را دست کم نگیرید.

الگوهای مثلث

مثلث متقارن

مثلث متقارن الگویی در نمودار است که در آن شیب بالاها و شیب پایین‌های قیمت در کنار یکدیگر پوششی ایجاد می‌کنند تا جایی که یک مثلث شکل بگیرد.

در طول این شکل‌گیری الگو بازار بالاها و پایین‌های بالاتر خواهد داشت. این یعنی نه خریداران و نه فروشندگان قیمت را به قدر کافی تغییر نمی‌دهند تا روند مشخصی ایجاد کنند.

اگر این نبردی بین خریداران و فروشندگان بود، این عقب‌نشینی است.

این نیز نوعی تثبیت است.



در نمودار فوق، می‌توانیم ببینیم که نه خریداران و نه فروشندگان نمی‌توانند قیمت را در جهت خود تغییر دهند. وقتی این اتفاق می‌افتد بالاهاى پایین‌تر و پایین‌های بالاتری خواهیم داشت.

در حالی که این دو شیب به یکدیگر نزدیک می‌شوند، این بدان معناست که تغییر بزرگی در راه است. نمی‌دانیم این تغییر بزرگ در کدام جهت است، اما این را می‌دانیم که بازار به احتمال زیاد تغییر ناگهانی خواهد داشت. چطور می‌توانیم از این موقعیت بهره ببریم؟ ساده است.

می‌توانیم ورود را بالاتر از شیب بالاهاى پایین‌تر و زیر شیب پایین‌های بالاتر قرار دهیم. از آنجاکه از قبل هم می‌دانیم که قیمت قرار است تغییر ناگهانی داشته باشد، می‌توانیم در هر جهتی که بازار دارد وارد شویم.



در این مثال اگر ورود را بالای شیب بالاهاى پایین‌تر قرار دهیم، شاهد افزایش خوبی خواهیم بود!

اگر ورود را زیر شیب پایین‌های بالاتر انجام داده باشید، به محض این که به اولین ترتیب برسد آن را لغو می‌کنید.

مثلت صعودی

وقتی سطح مقاومت و شیبی از پایین‌های بالاتر وجود دارد، الگویی شکل می‌گیرد.

در طول این زمان سطح معینی می‌رسد که خریداران نمی‌توانند از آن فراتر بروند. اما به تدریج شروع می‌کنند به بالا بردن قیمت، چنان که در پایین‌های بالاتر دیده می‌شود.



در نمودار فوق، می‌توانید ببینید که خریداران شروع به قدرتمند شدن کرده‌اند چون پایین‌های بالاتر ایجاد می‌کنند. آن‌ها همچنان روی این سطح مقاومت فشار وارد می‌کنند و در نتیجه تغییری ناگهانی رخ خواهد داد.

حالا سؤال این است که «در کدام جهت خواهد رفت؟ آیا خریداران می‌توانند این سطح را بشکنند یا مقاومت بیش از حد قوی است؟»

بسیاری از کتاب‌های مربوط به نمودار به شما می‌گویند که در بیشتر موارد خریداران در این نبرد پیروز می‌شوند و قیمت از مقاومت می‌گذرد.

با این حال تجربه‌ی ما این بوده که همیشه این طور نیست. گاهی سطح مقاومت بیش از حد قدرتمند است و

بیشتر اوقات قیمت واقعاً بالا می‌رود. منظور ما این است که نباید روی جهت قیمت وسواس داشته باشید، بلکه باید آماده باشید که در هر دو جهت حرکت کنید.

در این مورد ترتیب ورود را بالاتر از خط مقاومت و زیر شیب پایین‌های بالاتر قرار می‌دهیم.



در این سناریو، خریداران در مبارزه شکست خوردند و قیمت همچنان کاهش داشت! می توانید ببینید که کاهش تقریباً به همان اندازه‌ی مثلث شکل گرفته بود.

اگر ترتیب قیمت پایین را زیر قیمت پایینی مثلث قرار داده باشیم، سود کرده‌ایم.

مثلث نزولی

همان طور که احتمالاً حدس زده‌اید، مثلث‌های نزولی دقیقاً بر عکس مثلث‌های صعودی هستند (می دانستم که باهوش هستید!). در مثلث‌های نزولی رشته‌ای از بالا‌های پایین تر وجود دارد که خط بالایی را تشکیل می‌دهند. خط پایینی سطح تکیه‌ای است که در آن قیمت نمی‌تواند بشکند.



در نمودار فوق، می‌توانید ببینید که قیمت به تدریج بالاهای پایین‌تر ایجاد می‌کند و این به ما می‌گوید که فروشندگان شروع به بدست آوردن قدرت در مقابل خریداران کرده‌اند.

بیشتر اوقات (اما نه همیشه) قیمت در نهایت خط تکیه را می‌شکند و به سقوط ادامه می‌دهد.

اما در برخی موارد خط تکیه بیش از حد قدرتمند است و قیمت از آن بالا می‌رود و تغییر زیادی رو به بالا دارد.

خبر خوب این است که برایمان مهم نیست قیمت چه تغییری داشته است. فقط می‌دانیم که قرار است تغییر کند. در این مورد بهتر است ترتیب‌های ورود را بالای خط بالایی (بالاهای پایین‌تر) و زیر خط تکیه قرار دهیم.



در این مورد قیمت در نهایت بالای مثلث را شکست. بعد از تغییر ناگهانی در جهت بالا همچنان افزایش داشت و این افزایش تقریباً به اندازه‌ی ارتفاع مثلث بود.

قرار دادن ترتیب ورود در بالای مثلث و انتخاب هدفی به اندازه‌ی ارتفاع الگوی شکل گرفته می‌توانست سود خوبی بدهد.

نحوه‌ی مبادله از طریق الگوهای نمودار

راجع به الگوهای نمودار فراوانی صحبت کردیم. دیگر خسته شده‌ایم پس وقت آن است که برویم و بقیه‌ی کار را به عهده‌ی شما بگذاریم...

شوخی کردم! تا آماده نشوید تنهایتان نمی‌گذاریم!

در این بخش کمی بیشتر در مورد نحوه‌ی استفاده از این الگوهای نمودار به نفع شما صحبت می‌کنیم.

کافی نیست که فقط بدانید ابزار چگونه عمل می‌کند، باید یاد بگیریم که چگونه از ابزارها استفاده کنیم. با این سلاح‌های جدیدی که دارید بهتر است شروع به کسب سود کنیم.

بیاید الگوهای نموداری را که یاد گرفتیم خلاصه کنیم و آن‌ها را بر حسب نشانه‌هایی که می‌دهند دسته‌بندی کنیم.

وارونگی

الگوهای وارونگی الگوهایی هستند که نشان می‌دهند روند پیوسته قرار است تغییر مسیر دهد.

اگر الگوی نمودار وارونگی در طی روند رو به بالا شکل بگیرد، نشان می‌دهد که روند وارونه می‌شود و قیمت به زودی کاهش پیدا می‌کند. بر عکس اگر الگوی نمودار وارونگی در طی روند رو به پایین دیده شود، نشان می‌دهد که قیمت بعداً بالا خواهد رفت.

در این درس شش الگوی نمودار را پوشش دادیم که نشانه‌های وارونگی می‌دهند. آیا می‌توانید نام هر شش مورد را بیان کنید؟

۱. دو بالا

۲. دو پایین

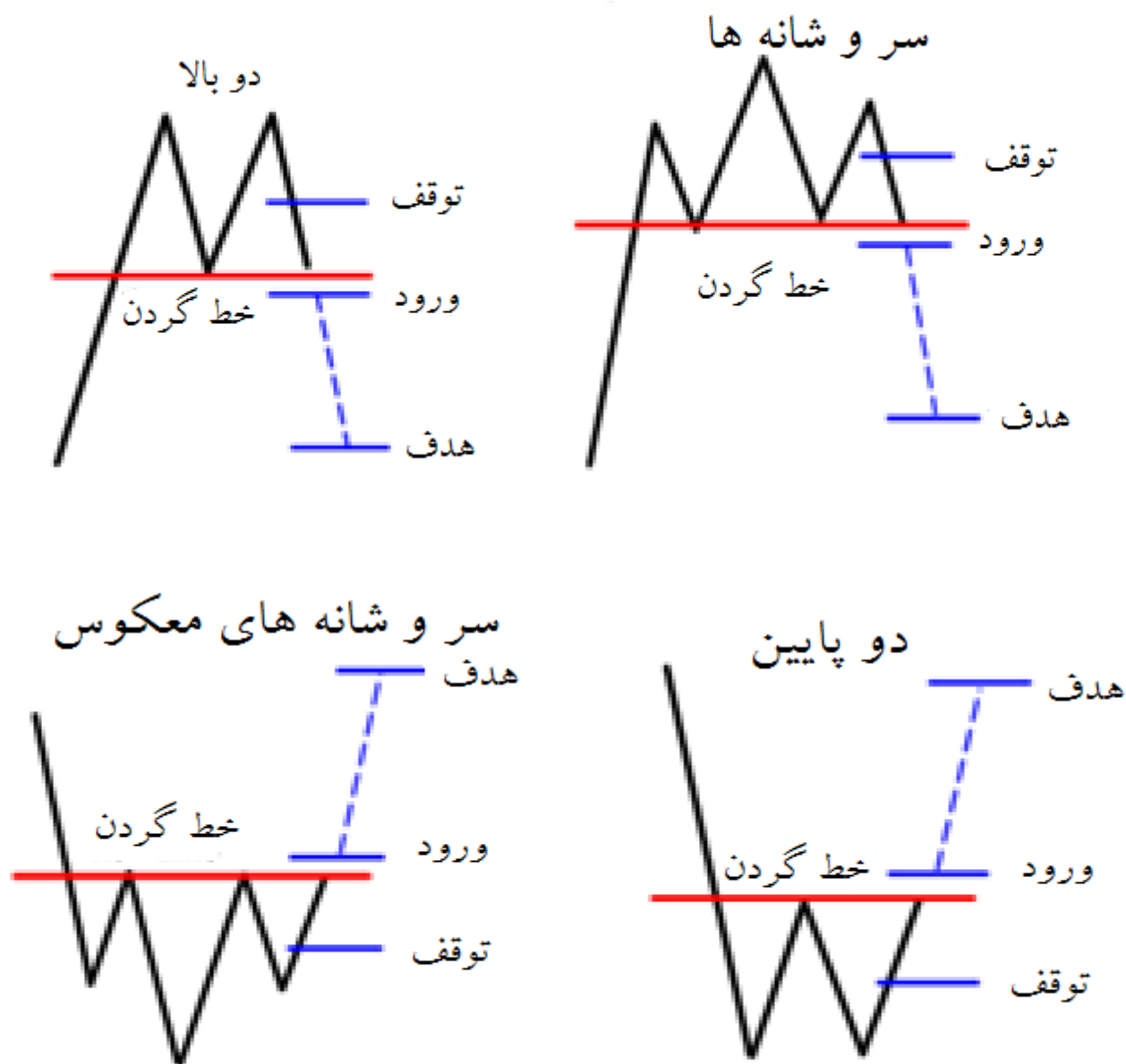
۳. سر و شانه‌ها

۴. سر و شانه‌های معکوس

۵. "وج" صعودی

۶. "وج" نزولی

اگر هر سه را یاد گرفته باشید عالی است!



برای مبادله‌ی این الگوهای نمودار کافی است ترتیب را فراتر از خط گردن و در جهت روند جدید قرار دهید. سپس به دنبال هدفی باشید که تقریباً به اندازه‌ی ارتفاع این الگوست.

مثلاً اگر دو پایین می‌بینید ترتیب گران را در بالای خط گردن الگو قرار دهید و به دنبال هدفی باشید که به اندازه‌ی فاصله‌ی پایین‌ها تا خط گردن است.

به منظور مدیریت ریسک مناسب فراموش نکنید که توقف هم داشته باشید! ضرر توقف معقول را می‌توان حول وسط الگوی نمودار تعیین کرد.

مثلاً می‌توانید فاصله‌ی دو پایین را از خط گردن اندازه‌گیری کرده و این مقدار را به دو تقسیم کنید و از آن به عنوان اندازه‌ی توقفتان استفاده نمایید.

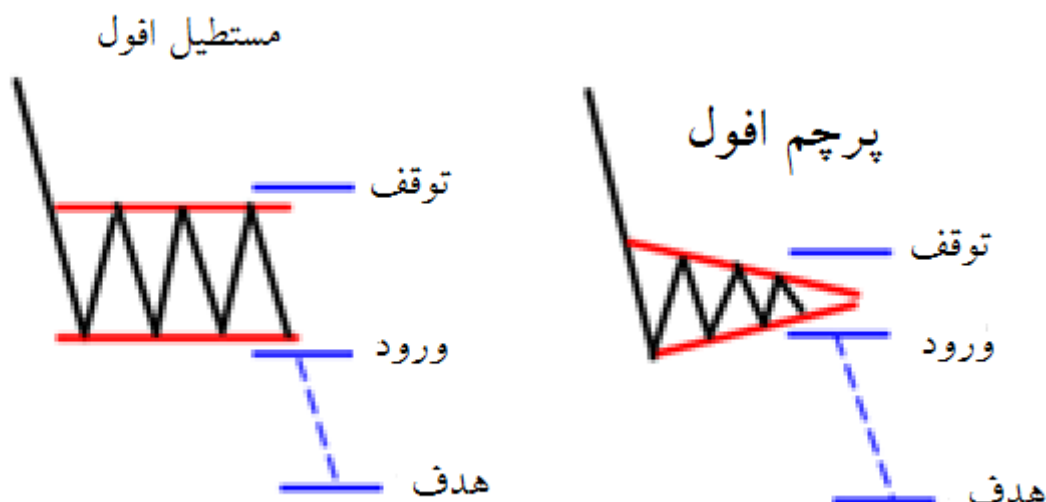
ادامه

الگوهای ادامه الگوهای نموداری هستند که نشان می‌دهند روند پیوسته از سر گرفته خواهد شد.

معمولاً این‌ها الگوهای تثبیت نام دارند چون نشان می‌دهند که خریداران و فروشندگان چگونه قبل از حرکت بیشتر در جهت یکسان با روند قبلی توقف می‌کنند.

چندین الگوی نمودار را توضیح دادیم: وج، مستطیل و پرچم. توجه داشته باشید که وج‌ها را می‌توان بسته به روندی که بر اساس آن شکل می‌گیرند الگوهای وارونگی یا ادامه در نظر گرفت.





برای پرچم‌ها می‌توانید هدف‌تان را بالاتر و به ارتفاع تیر پرچم قرار دهید.

برای الگوهای ادامه توقف‌ها معمولاً در بالای یا زیر الگوی نمودار واقعی قرار داده می‌شوند.

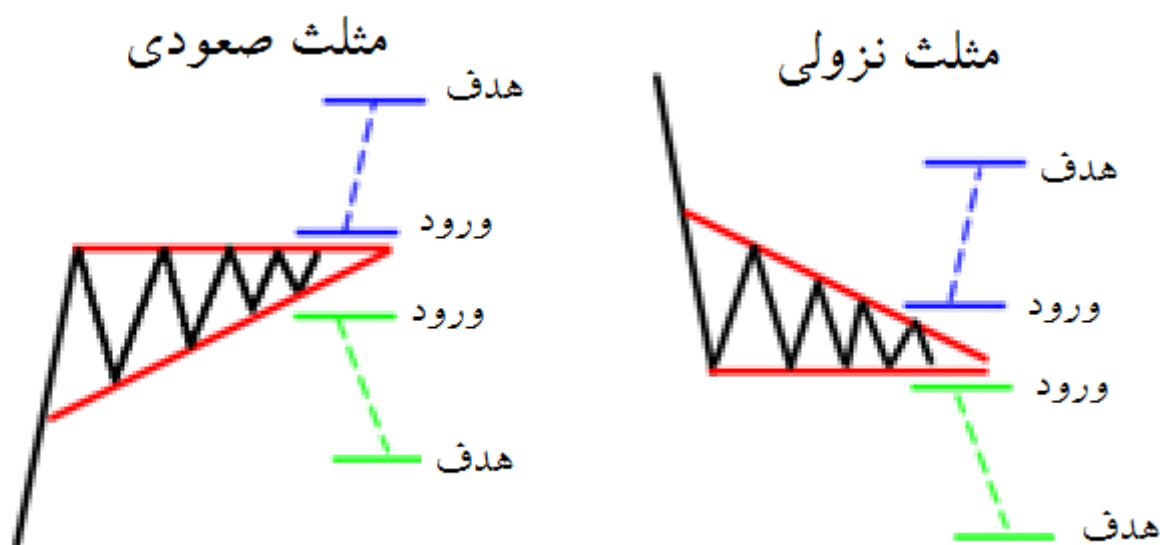
مثلاً در زمان مبادله‌ی مستطیل افول توقف را کمی بالاتر از بالا یا مقاومت مستطیل قرار دهید.

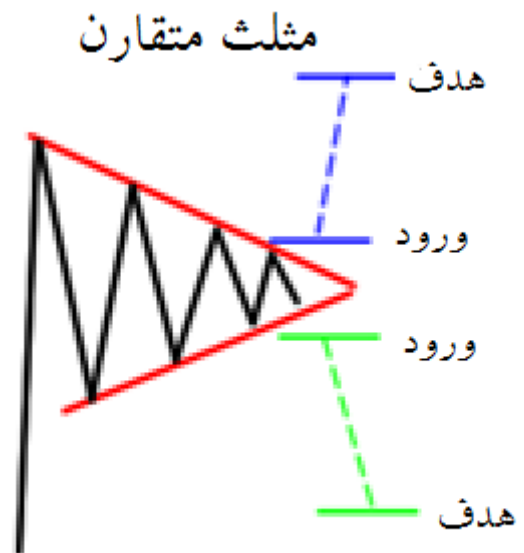
دو طرفه

الگوهای دو طرفه‌ی نمودار کمی سخت‌تر هستند چون نشان می‌دهند که قیمت می‌تواند در هر جهتی تغییر کند.

این دیگر چه نشانه‌ای است!؟

در اینجاست که الگوهای مثلث قرار می‌گیرند. به یاد دارید که در مورد این صحبت کردیم که قیمت می‌تواند در بالا یا پایین مثلث بشکند؟

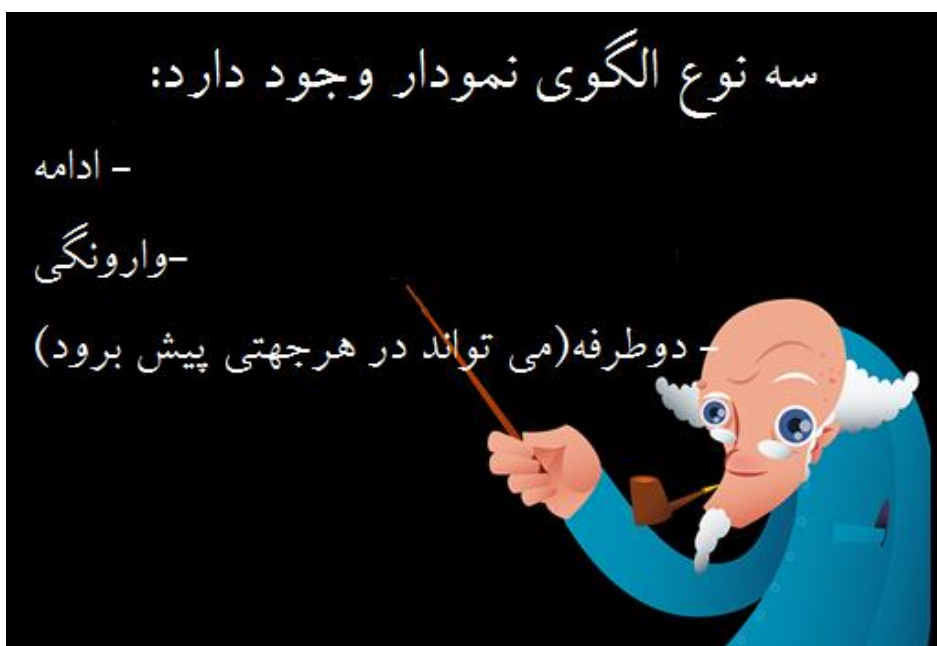




برای استفاده از این الگوها باید هر دو سناریو (تغییر ناگهانی در جهت بالا یا پایین) را در نظر بگیرید و یک دستور را در بالای الگو و دیگری را در پایین الگو قرار دهید.

اگر یک دستور اجرا شود، می‌توانید دستور دیگر را لغو کنید. به هر حال بخشی از اقدام هستید.

تنها مسئله این است که اگر ترتیب های ورودتان را بیش از حد نزدیک به بالا یا پایین الگو قرار دهید ممکن است توقف نادرستی داشته باشید.



همان طور که قول دادیم، یک برگه‌ی تقلب تمیز و خوب به شما می‌دهیم تا بتوانید تمام الگوهای نمودار و نشانه‌های آن‌ها را به یاد داشته باشید.

بیشتر الگوهای نمودار، زمان شکل گرفتن آن‌ها، نوع نشانه‌ای که ارائه می‌دهند و تغییر قیمت بعدی را فهرست کرده‌ایم. نگاهی بیندازید!

الگوی نمودار	زمان شکل گرفتن	نوع نشانه	تغییر بعدی
دو بالا	روند رو به بالا	وارونگی	پایین
دو پایین	روند رو به پایین	وارونگی	بالا
سر و شانه‌ها	روند رو به بالا	وارونگی	پایین
سر و شانه‌های معکوس	روند رو به پایین	وارونگی	بالا
وج صعودی	روند رو به پایین	ادامه	پایین
وج نزولی	روند رو به بالا	ادامه	بالا
وجی نزولی	روند رو به پایین	وارونگی	بالا
مستطیل افول	روند رو به پایین	ادامه	پایین
مستطیل ترقی	روند رو به بالا	ادامه	بالا

پایین	ادامه	روند رو به پایین	پرچم افول
بالا	ادامه	روند رو به بالا	پرچم ترقی

اگر نیاز است قبل از ریسک کردن روی پولی که به زحمت کسب کرده‌اید در یک معامله دوباره این نشانه‌های الگوهای نمودار را چک کنید، بهتر است این جدول را نگه دارید.

هیچ وقت نمی‌دانید چه زمانی لازم است تقلب کنید، هاها! این جدول را فراموش نکنید!

همان طور که احتمالاً متوجه شده‌اید، الگوهای مثلث (مقارن، صعودی و نزولی) را در این برگه‌ی تقلب ننگانندیم.

دلیلش این است که این الگوها می‌توانند هم در روند رو به بالا شکل بگیرند و هم رو به پایین و می‌توانند هم نشان دهنده‌ی ادامده باشند و هم وارونگی.

همان طور که گفتیم، گفتن این که قیمت کی تغییر ناگهانی خواهد داشت کار سختی است.

مهم این است که ترتیب‌های ورودتان آماده باشد تا بتوانید در هر صورت اقدامی بکنید.

نقاط تغییر قیمت در بازار فارکس

هیجانزده‌اید؟ حالا در سال آخر دوره‌ی راهنمایی هستید و بعد به دبیرستان می‌روید!

مبادله کنندگان و ایجاد کنندگان بازار حرفه‌ای از نقاط نشانه برای مشخص کردن سطوح تکیه و مقاومت بالقوه استفاده می‌کنند. به بیان ساده، نقطه‌ی نشانه و سطوح تکیه / مقاومت آن بخش‌هایی هستند که در آن‌ها جهت تغییر قیمت می‌تواند تغییر کند.

چرا نقاط نشانه این قدر جالب هستند؟

چون عینی هستند.

بر خلاف بعضی از نشانه‌های دیگری که قبلاً در مورد آن‌ها آموزش دادیم، هیچ احتیاطی وجود ندارد.

نقاط نشانه شباهت‌های زیادی به سطوح فیبوناچی دارند. چون مردم زیادی به این سطوح نگاه می‌کنند تقریباً خودشکوفای می‌شوند.

تفاوت اصلی بین این دو آن است که در فیبوناچی انتخاب نوسانات بالا و پایین هنوز دربردارنده‌ی فردیت است. اما در نقاط نشانه مبادله کنندگان معمولاً از روش یکسانی برای محاسبه‌ی آن‌ها استفاده می‌کنند.

بسیاری از مبادله کنندگان به این سطوح توجه می‌کنند و بهتر است شما هم همین کار را بکنید.

نقاط نشانه به ویژه برای مبادله کنندگان کوتاه مدت مفید هستند که به دنبال بهره بردن از تغییر قیمت‌های کوچک هستند. درست مانند سطوح تکیه و مقاومت عادی، مبادله کنندگان می‌توانند جهش را مبادله کنند یا این سطوح را بشکنند.

مبادله کنندگان محدود به دامنه از نقاط نشانه برای مشخص کردن نقاط وارونگی استفاده می‌کنند. آن‌ها نقاط نشانه را قسمت‌هایی می‌دانند که می‌توانند سفارش خرید یا فروششان را در آن‌ها قرار دهند.

مبادله کنندگان تغییرات ناگهانی از نقاط نشانه برای تشخیص سطوح کلیدی استفاده می‌کنند که باید شکسته شوند تا تغییری بتواند تغییر ناگهانی واقعی تلقی شود.

در اینجا مثالی از نقاط نشانه ارائه شده که در نمودار یک ساعته‌ی یورو/ دلار طراحی شده‌اند:

چنان که در اینجا می‌بینید سطوح افقی تکیه و مقاومت روی نمودار شما قرار داده شده‌اند و ببینید - به خوبی برای شما علامت‌گذاری شده‌اند! خیلی راحت است، نه؟

خلاصه‌ی کوتاهی از مخفف‌ها:

PP یعنی نقطه‌ی نشانه (Pivot Point).

S یعنی تکیه (Support).

R یعنی مقاومت (Resistance).

اما خودتان را درگیر این فکرها نکنید که «S1 حتماً تکیه است» و «R1 حتماً مقاومت است». دلیلش را بعداً توضیح می‌دهیم.

در درس‌های زیر یاد می‌گیرید چطور نقاط نشانه را محاسبه کنید، انواع مختلف نقاط نشانه و مهم‌تر از همه نحوه‌ی افزودن نقاط نشانه به جعبه ابزار مبادله‌تان را یاد می‌گیرید!

اولین چیزی که یاد می‌گیرید نحوه‌ی محاسبه‌ی سطوح نقاط نشانه است.

نقطه‌ی نشانه و سطوح مرتبط تکیه و مقاومت با استفاده از آخرین قیمت باز شده، بالا، پایین و قیمت بسته شده‌ی معامله محاسبه می‌شود. از آنجا که خرید و فروش ارز بازار ۲۴ ساعته است، بیشتر مبادله کنندگان از زمان بسته شدن نیویورک یعنی ۴ بعد از ظهر (ساعت استاندارد شرق آمریکا) به عنوان زمان بسته شدن روز قبل استفاده می‌کنند.

محاسبه برای نقطه‌ی نشانه در زیر نشان داده شده است:

$$\text{نقطه‌ی نشانه (PP)} = (\text{بالا} + \text{پایین} + \text{بسته}) / ۳$$

سطوح تکیه و مقاومت به این صورت از نقطه‌ی نشانه محاسبه می‌شوند:

تکیه و مقاومت سطح اول:

$$\text{اولین مقاومت (R1)} = (PP \times ۲) - \text{پایین}$$

$$\text{اولین تکیه (S1)} = (PP \times ۲) - \text{بالا}$$

دومین سطح تکیه و مقاومت:

$$\text{دومین مقاومت (R2)} = PP + (\text{بالا} - \text{پایین})$$

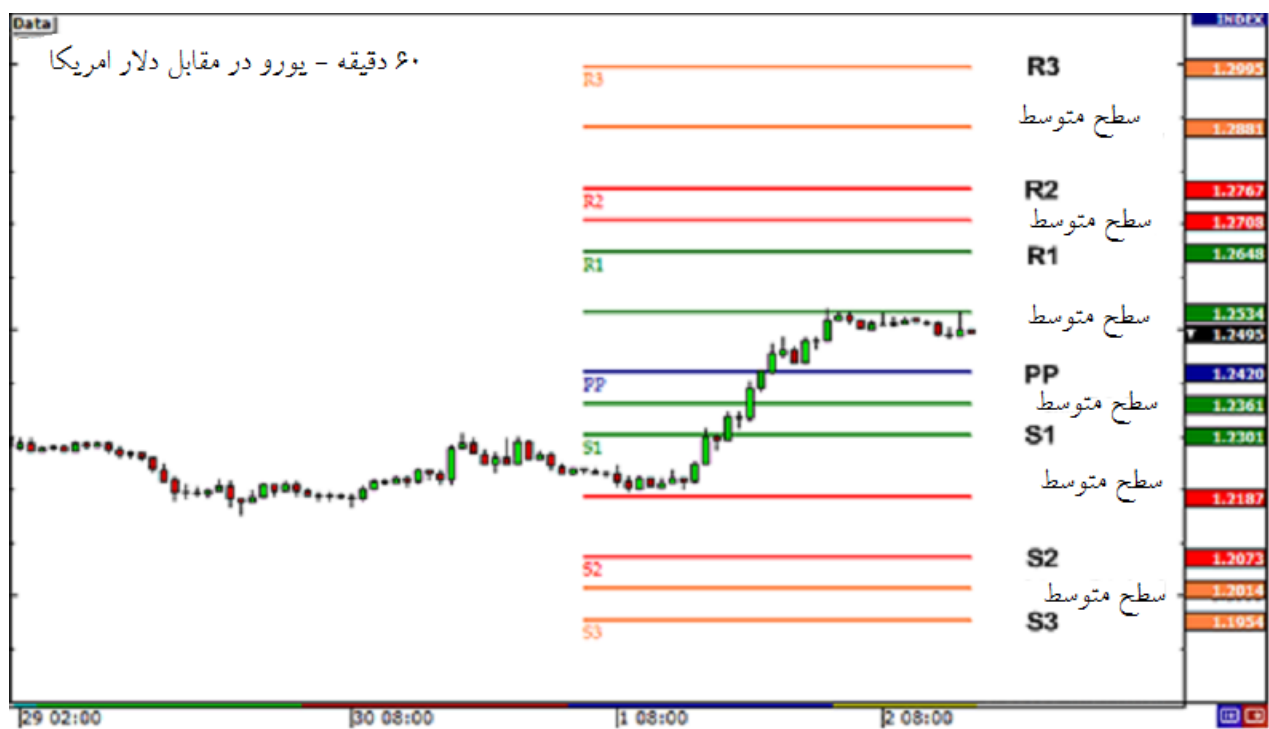
$$\text{دومین تکیه (S2)} = PP - (\text{بالا} - \text{پایین})$$

سومین سطح تکیه و مقاومت:

$$\text{سومین مقاومت (R3)} = \text{بالا} + ۲(\text{پایین} - PP)$$

$$\text{سومین تکیه (S3)} = \text{پایین} - ۲(\text{بالا} - PP)$$

به یاد داشته باشید که برخی از نرم‌افزارهای رسم نمودار سطوح متوسط یا سطوح نقاط میانی را طراحی می‌کنند. این‌ها اساساً سطوح کوچک بین نقطه‌ی نشانه‌ی اصلی و سطوح مقاومت و تکیه هستند.



اگر از جبر متنفرید، نگران نباشید چون لازم نیست خودتان این محاسبات را انجام دهید. بیشتر نرم افزارهای رسم نمودار به صورت اتوماتیک این کار را برای شما انجام می دهند. فقط مطمئن شوید که تنظیماتتان را درست کنید تا از زمان بستن و قیمت درست استفاده کند.

محاسبه گر می تواند به دردتان بخورد مخصوصاً اگر می خواهید کمی بک تستینگ انجام دهید تا ببینید که سطوح نقاط نشانه در گذشته به چه صورت بوده اند. به یاد داشته باشید یکی از مزایای استفاده از نقاط نشانه این است که عینی هستند بنابراین آزمودن واکنش قیمت به آنها بسیار آسان است.

در قسمت بعد به شما راه های مختلف گنجاندن نقاط نشانه در راهبرد مبادله تان را آموزش می دهیم.

معامله در محدوده قیمت با کمک نقاط تغییر

ساده‌ترین راه استفاده از سطوح نقاط نشانه این است که از آن‌ها درست مانند سطوح تکیه و مقاومتتان استفاده کنید. درست مانند تکیه و مقاومت خوب قدیمی، قیمت به طور مکرر سطوح را می‌آزماید.

هر چه دو ارز دفعات بیشتری به سطح نشانه برسند و سپس وارونه شوند، سطح قدرتمندتر است. در واقع «نشانه‌گذاری» صرفاً یعنی رسیدن به سطح تکیه یا مقاومت و سپس وارونه شدن.

اگر می‌بینید که سطح نشانه متوقف شده، این می‌تواند به شما فرصت مبادله‌ی خوبی بدهد.

اگر قیمت به سطح مقاومت بالایی نزدیک می‌شود، می‌توانید دو ارز را بفروشید و توقف را درست بالای مقاومت قرار دهید.

اگر قیمت به سطح تکیه نزدیک شود، می‌خرید و توقفتان را درست زیر سطح قرار می‌دهید.

می‌بینید؟ درست مانند تکیه و مقاومت معمولتان! به هیچ وجه سخت نیست!

بیا باید نگاهی به یک مثال داشته باشیم تا بتوانید این را مجسم کنید. یک نمودار ۱۵ دقیقه‌ای از پوند/دلار آمریکا.



در نمودار فوق می‌بینید که قیمت، سطح تکیه‌ی S1 را می‌آزماید. اگر فکر می‌کنید این حالت باقی می‌ماند، کاری که می‌توانید انجام دهید این است که خرید و عرضه کنید و ضرر توقف را بعد از سطح تکیه‌ی بعدی قرار دهید.

اگر محافظه‌کار هستید، می‌توانید توقف گسترده‌ای را درست زیر S2 قرار دهید. اگر قیمت از S2 بگذرد، این احتمال وجود دارد که دیگر برنگردد، چرا که S1 و S2 هر دو به سطوح مقاومت تبدیل می‌شوند.

اگر کمی تهاجمی تر باشید و مطمئن باشید که تکیه در S1 باقی می ماند، می توانید توقفتان را درست زیر S1 قرار دهید.

در مورد نقاط کسب سود می توانید PP یا R1 را هدف قرار دهید که آن هم نوعی مقاومت فراهم می سازد. بیا بید ببینیم اگر در بازار خرید می کردید چه اتفاقی می افتاد.



بوم! ظاهراً S1 به عنوان تکیه باقی ماند! اگر PP را به عنوان نقطه ی کسب سود هدف قرار می دادید، PT تان را زده بودید. دیگر چه می خواهید؟! بستنی و پیتزا برای شما!

البته همیشه ساده نیست. نباید فقط روی سطح نقاط نشانه تکیه داشته باشید. باید توجه داشته باشید که آیا سطوح نقاط نشانه با سطوح قبلی تکیه و مقاومت هماهنگ هستند.

همچنین می توانید تحلیل شمعدان و انواع دیگر نشانه ها را بگنجانید تا مطمئن تر شوید.

مثلاً اگر می بینید که یک دوجی در بالای S1 شکل گرفته یا این که تصادفی نشان دهنده ی شرایط فروش بیش از حد است بنابراین احتمال این می رود که S1 به عنوان تکیه باقی بماند.

به علاوه بیشتر اوقات مبادله معمولاً بین اولین سطوح تکیه و مقاومت اتفاق می افتد. گاهی قیمت دومین سطوح را می آزماید و هر چند وقت یک بار سومین سطوح مورد آزمایش قرار می گیرند.

در پایان باید کاملاً درک کنید که گاهی قیمت از بین تمام سطوح می‌شکند همان طور که راجر فدرر به سرعت در رقابت ویمبلدون پیش می‌رود.

وقتی این اتفاق افتاد چه کار می‌کنید؟ همچنان به مبادله ادامه می‌دهید و شکست می‌خورید و شاهد این هستید که حسابتان آرام تحلیل می‌رود؟ یا این که از این موقعیت بهره می‌برید و سود می‌کنید؟

در درس بعدی به شما یاد می‌دهیم چطور در زمان شکسته شدن این سطوح سود کنید.

معامله در شکست قیمت با کمک نقاط تغییر

درست مانند سطوح عادی تکیه و مقاومت، سطوح نقاط نشانه تا ابد باقی نمی‌مانند.

استفاده از نقاط نشانه برای مبادله‌ی دامنه مفید است، اما نه همیشه. در زمین‌هایی که این سطوح نمی‌توانند باقی بمانند، باید ابزارهایی برای بهره بردن از موقعیت داشته باشید!

چنان که قبلاً به شما نشان دادیم، دو راه اصلی برای مبادله‌ی تغییرات ناگهانی وجود دارد: راه تهاجمی یا راه امن.

هر دو روش عمل می‌کند. اما همیشه به یاد داشته باشید که اگر راه امن را در پیش بگیرید، که یعنی باید منتظر آزمون مجدد تکیه یا مقاومت باشید، ممکن است تغییر ابتدایی را از دست بدهید.

بباید نگاهی به نموداری داشته باشیم تا مبادلات تغییرات ناگهانی بالقوه با استفاده از نقاط نشانه را ببینیم. در ذیل نمودار ۱۵ دقیقه‌ای یورو/دلار آمریکا آمده است.



در اینجا می‌بینیم که نسبت یورو/دلار آمریکا در طول روز قدرت گرفته است. می‌بینیم که نسبت یورو/دلار آمریکا با شکاف بالای نقطه‌ی نشانه ایجاد شده است. قیمت افزایش زیادی داشته و بعد در R1 کمی متوقف شده است.

در نهایت مقاومت شکسته شده و دو ارز ۵۰ درجه جهش داشته است!

اگر از روش تهاجمی استفاده می‌کردید، تغییر ناگهانی را می‌گرفتید و چنان خوشحال می‌شدید که انگار در سوپر بول برنده شده‌اید.

از طرف دیگر اگر راه امن را در پیش می‌گرفتید و منتظر آزمون مجدد می‌شدید، شکست می‌خوردید. قیمت بعد از شکستن R1 آزمون مجدد نکرد. در واقع همین اتفاق در مورد R1 و همچنین R2 افتاد!

توجه داشته باشید که یورو/دلار آمریکا تلاش کرد در R3 نیز همین عملکرد را داشته باشد.

اما اگر از روش تهاجمی استفاده کرده بودید، در دام می‌افتادید چون قیمت نتوانست شکست اولیه را حفظ کند. اگر توقف شما بیش از حد تنگاتنگ می‌بود، متوقف می‌شدید.

اما بعداً خواهید دید که قیمت در نهایت شکست. توجه کنید که آزمون مجدد خط مقاومت شکسته شده نیز مورد آزمون مجدد قرار گرفت.

به علاوه توجه داشته باشید که وقتی دو ارز بعداً در طول روز معکوس شد R3 را شکست و از آن گذشت. فرصتی برای فروش ارزان در آزمون مجدد مقاومت - تکیه‌ی تغییر یافته - مقاومت تغییر یافته وجود داشت

به یاد داشته باشید که وقتی سطوح تکیه می‌شکنند، معمولاً تبدیل به سطوح مقاومت می‌شوند.

این مفهوم «وارونگی نقش» در مورد سطوح مقاومت شکسته نیز که تبدیل به سطوح تکیه می‌شوند صدق می‌کند. این‌ها فرصت خوبی برای استفاده از روش «امن» هستند.

قرار دادن توقف و هدف با تغییرات ناگهانی

یکی از مشکلات استفاده از مبادله‌های تغییرات ناگهانی انتخاب محلی برای قرار دادن توقفان است. بر خلاف تبادل دامنه که در آن به دنبال شکست سطوح تکیه و مقاومت نقاط نشانه هستید، در اینجا به دنبال تغییرات سریع و قوی هستید.

وقتی سطحی می‌شکند، از لحاظ نظری، آن سطح احتمالاً تبدیل به «مقاومت تبدیل شده به تکیه» یا «تکیه‌ی تبدیل شده به مقاومت» می‌شود.

اگر قیمت بالا داده‌اید و قیمت R1 را شکسته باشد، می‌توانید توقفان را درست زیر R1 قرار دهید.

بیاید به این نمودار یورو/دلار آمریکا برگردیم تا ببینیم توقفان را در کجا می‌توانید قرار دهید.

در مورد تعیین اهداف، معمولاً سطح تکیه یا مقاومت نقطه‌ی نشانه‌ی بعدی را به عنوان نقطه‌ی کسب سودتان هدف قرار می‌دهید. به ندرت ممکن است قیمت از تمام سطوح نقاط نشانه بگذرد مگر آن که یک رویداد اقتصادی بزرگ یا یک خبر شگفت‌آور منتشر شود.

بیاید دوباره به نمودار یورو/دلار آمریکا برگردیم تا ببینیم که این توقف‌ها و نقاط کسب سودتان را کجا قرار می‌دهید.



در این مثال وقتی می بینید که قیمت R1 را می شکند، توقفتان را درست زیر R1 قرار داده‌اید. اگر معتقد بودید که قیمت همچنان افزایش خواهد داشت، می توانستید موضعتان را حفظ کنید و توقفتان را به صورت دستی حرکت دهید تا ببینید آیا تغییر ادامه می‌یابد. باید دقت می‌کردید و کارتان را برحسب مشاهداتان تنظیم می‌کردید. در درس‌های بعدی در این مورد بیشتر یاد می‌گیرید.

مانند هر روش یا نشانه‌ای، باید از ریسک‌های مبادلات تغییرات ناگهانی آگاه باشید.

اولاً به هیچ وجه نمی‌دانید که آیا تغییر ادامه پیدا می‌کند یا نه. شاید فکر کنید که قیمت افزایش خواهد داشت، اما با یک بالا یا پایین مواجه شوید یعنی فریب خورده‌اید!

ثانیاً مطمئن نیستید که آیا یک تغییر ناگهانی واقعی است یا فقط تغییرات تصادفی به دلیل انتشار اخبار مهم است. افزایش نوسانات یک رویداد متداول در رویدادهای خبری هستند، پس حتماً اخبار جدید را دنبال کنید و مطلع باشید که در آن روز یا هفته چه چیزی در تقویم خرید و فروش ارز هست.

در پایان درست مانند مبادله‌ی دامنه، بهتر است که وارد سطوح تکیه و مقاومت کلیدی دیگر شوید. شاید فکر کنید که R1 دارد می‌شکند، اما نتوانسته‌اید سطح مقاومت قدرتمندی را درست بعد از R1 ببینید. ممکن است قیمت از R1 بگذرد، مقاومت را بیازمایید و عقب‌نشینی کنید.

باید از اطلاعاتتان در مورد تکیه و مقاومت، الگوهای شمعدان و نشانه‌های اندازه حرکت استفاده کنید تا بتوانید نشانه‌های قوی‌تری در مورد واقعی بودن یا نبودن شکست به دست بیاورید.

استفاده از نقاط نشانه برای تعیین حس بازار

یک راه دیگر برای گنجاندن نقاط نشانه در راهبرد مبادله وجود دارد و آن استفاده از آن‌ها برای سنجش حس بازار است.

این یعنی می‌توانید بگویید که آیا مبادله کنندگان بیشتر به خرید دو ارز تمایل دارند یا فروش آن‌ها. تنها کاری که لازم است انجام دهید این است که به نقطه‌ی نشانه توجه داشته باشید. می‌توانید آن را خط ۵۰ یاردی زمین فوتبال امریکایی در نظر بگیرید. بسته به این که توپ (در این مورد قیمت) در کدام طرف است می‌توانید بفهمید که آیا خریداران غالب هستند یا فروشندگان.

اگر قیمت نقطه‌ی نشانه را به بالا بشکند، این نشان می‌دهد که مبادله کنندگان روی دو ارز تسلط دارند و باید شروع به خرید آن کنید. مثالی از این که وقتی قیمت بالای نقطه‌ی نشانه ماند، چه اتفاقی می‌افتد.



در این مثال می‌بینیم که نسبت یورو/ دلار امریکا فاصله گرفت و بالای نقطه‌ی نشانه باز شد. سپس قیمت بالاتر و بالاتر رفت و تمام سطوح مقاومت را شکست.

حالا اگر قیمت نقطه‌ی نشانه را بشکند و پایین برود، باید شروع به فروش دو ارز کنید. قیمتی که پایین نقطه‌ی نشانه است نشان دهنده‌ی حس افول است و ممکن است فروشندگان برای مبادله غالب باشند.

بیا به نگاهی به نمودار پوند/ دلار امریکا داشته باشیم.



در نمودار فوق می بینیم که قیمت نقطه‌ی نشانه را آزمود که به عنوان سطح مقاومت باقی ماند. بعد می بینید که دو ارز همین طور پایین تر و پایین تر می روند. اگر متوجه این نکته شده باشید که قیمت زیر نقطه‌ی نشانه باقی مانده و دو ارز را فروخته باشید، پول خوبی به جیب زده‌اید. نسب پوند انگلیس / دلار آمریکا حدود ۳۰۰ واحد افت داشت!

البته همیشه این طور نمی شود. گاهی اوقات فکر می کنید که مبادله کنندگان در دو ارز افول دارند، اما بعداً می بینید که دو ارز معکوس می شود و می شکنند و بالا می رود!



در این مثال اگر متوجه شده باشید که قیمت شکسته و از نقطه‌ی نشانه پایین‌تر رفته و فروخته باشید، اشتباه بزرگی مرتکب شده‌اید. بعداً در اروپا، نسبت یورو/ دلار امریکا بالاتر رفت و در نهایت نقطه‌ی نشانه را شکست. دو ارز بالای نقطه‌ی نشانه باقی ماند و نشان داد که خریداران به تدریج دور می‌شوند.

درسی که از اینجا می‌گیریم؟

مبادله‌کنندگان بی‌ثبات هستند!

حسی که مبادله‌کنندگان نسبت به ارز دارند ممکن است از روزی به روز دیگر تغییر شدید داشته باشد، حتی از یک مبادله تا مبادله‌ی دیگر. به این دلیل است که نمی‌توانید وقتی قیمت بالای نقطه‌ی نشانه است بخرید یا وقتی زیر آن است بفروشید.

در عوض اگر تصمیم گرفته‌اید که به این طریق از تحلیل نقطه‌ی نشانه استفاده کنید باید آن را با نشانه‌های دیگر ترکیب کنید تا بتوانید حس کلی بازار را تعیین کنید.

روش‌های دیگر برای محاسبه‌ی نقطه‌ی تغییر

ما پیشنهاد می‌کنیم که به روش استاندارد محاسبه‌ی نقاط نشانه پایبند باشید، اما باید بدانید که راه‌های دیگری برای محاسبه‌ی نقاط نشانه وجود دارد. در این درس در مورد این روش‌های دیگر صحبت می‌کنیم و فرمول‌هایی در مورد نحوه‌ی محاسبه‌ی آن‌ها برای این سطوح ارائه می‌دهیم.

$$R2 = PP + \text{بالا} - \text{پایین}$$

$$R1 = (2 \times PP) - \text{پایین}$$

$$PP = (H + L + 2C) / 4$$

$$S1 = (2 \times PP) - \text{بالا}$$

$$S2 = PP - \text{بالا} + \text{پایین}$$

پایین - L ، بالا - H ، قیمت بسته شده - C

در فرمول‌های فوق می‌بینید که محاسبه‌ی نقطه‌ی نشانه تفاوت زیادی با روش استاندارد دارد.

به علاوه برای محاسبه‌ی سطوح متناظر تکیه و مقاومت، از تفاوت بین بالا و پایین روز قبل یا دامنه استفاده می‌کنید.

یک نمودار نمونه از محاسبه‌ی نقطه‌ی نشانه‌ی وودی در یورو / دلار امریکا. نقطه‌ی نشانه‌ی وودی، سطوح تکیه و سطوح مقاومت خطوط پررنگ هستند و خط‌چین‌ها نشان دهنده‌ی سطوحی هستند که از طریق روش استاندارد محاسبه شده‌اند.



به دلیل تفاوت فرمول‌ها سطوحی که از طریق محاسبات وودی به دست آمده‌اند تفاوت زیادی با سطوحی دارند که از روش استاندارد به دست آمده است.

برخی از مبادله کنندگان ترجیح می‌دهند از فرمول‌های وودی استفاده کنند چون ارزش بیشتری برای قیمت بسته شده‌ی دوره‌ی قبلی در نظر می‌گیرند. عده‌ی دیگری هم فرمول‌های استاندارد را ترجیح می‌دهند چون مبادله کنندگان زیادی از آن‌ها استفاده می‌کنند و این باعث می‌شود خودشکوفای باشند.

در هر حال، از آنجا که اگر تصمیم بگیرید از فرمول‌های وودی استفاده کنید، مقاومت تبدیل به تکیه می‌شود (و بالعکس)، باید به این سطوح توجه زیادی داشته باشید. هر چه که کارتان را پیش ببرد، خوب است!

نقطه‌ی نشانه‌ی کاماریلا

$$R4 = C + ((H-L) \times 1.5000)$$

$$R3 = C + ((H-L) \times 1.2500)$$

$$R2 = C + ((H-L) \times 1.1666)$$

$$R1 = C + ((H-L) \times 1.0833)$$

$$PP = (H + L + C) / 3$$

$$S1 = C - ((H-L) \times 1.0833)$$

$$S2 = C - ((H-L) \times 1.1666)$$

$$S3 = C - ((H-L) \times 1.2500)$$

$$S4 = C - ((HOL) \times 1.5000)$$

- قیمت بسته شده ، H بالا ، L پایین

فرمول‌های کاماریلا مشابه فرمول‌های وودی هستند. به علاوه از قیمت بسته شده و دامنه‌ی روز قبل برای محاسبه‌ی سطوح تکیه و مقاومت استفاده می‌کنند.

تنها تفاوت این است که باید ۸ سطح اصلی (۴ مقاومت و ۴ تکیه) را محاسبه کنید و هر یک از این سطوح باید در یک ضریب ضرب شود.

مفهوم اصلی نقاط نشانه‌ی کاماریلا این است که بر اساس این ایده هستند که قیمت طبیعتاً تمایل دارد به میانگین برگردد (آشنا نیست؟) یا در این مورد به قیمت بسته شده‌ی روز قبل برگردد.

ایده این است که باید وقتی قیمت به سومین سطح تکیه یا مقاومت می‌رسد بخرید یا بفروشید. اما اگر قیمت در $S4$ یا $R4$ منفجر شود، یعنی روند روز قدرتمند است و وقت آن رسیده که به آن پیوندید!

ببینید محاسبه‌ی کاماریلا سطوح مختلفی (خطوط پررنگ) در مقایسه با سطوح روش استاندارد (خط‌چین‌ها) می‌دهد!



چنان که در نمودار فوق می‌بینید، تأکید بیشتری روی قیمت بسته شده هست تا نقطه‌ی نشانه. به این دلیل ممکن است که سطوح مقاومت زیر نقطه‌ی نشانه باشند یا سطوح تکیه بالای آن باشند.

می‌بینید که تمام سطوح تکیه و مقاومت بالای نقطه‌ی نشانه‌ی کاماریلا هستند؟

نقطه‌ی نشانه‌ی فیبوناچی

$$R3 = PP + ((\text{بالا} - \text{پایین}) \times 1.000)$$

$$R2 = PP + ((\text{پایین} - \text{بالا}) \times .618)$$

$$R1 = PP + ((\text{پایین} - \text{بالا}) \times .382)$$

$$PP = (H + L + C) / 3$$

$$S1 = PP - ((\text{پایین} - \text{بالا}) \times .382)$$

$$S2 = PP - ((\text{پایین} - \text{بالا}) \times .618)$$

$$S3 = PP - ((\text{پایین} - \text{بالا}) \times 1.000)$$

پایین - L ، بالا - H ، قیمت بسته شده - C

سطوح نقاط نشانه‌ی فیبوناچی با محاسبه‌ی ابتدایی نقاط نشانه مانند روش استاندارد تعیین می‌شوند.

بعد دامنه‌ی روز قبل را در سطح فیبوناچی متناظر آن ضرب کنید. بیشتر مبادله کنندگان از مروره‌ی $2/38\%$ ، $1/8/61\%$ و 100% در محاسباتشان استفاده می‌کنند.

در پایان ارقامی را که به دست آورده‌اید جمع و تفریق کنید تا به نقطه‌ی نشانه برسید و هورا! این هم سطوح نقاط نشانه‌ی فیبوناچی!

به نمودار زیر نگاه کنید تا ببینید که سطوح محاسبه شده با روش فیبوناچی (خطوط پررنگ) چه تفاوتی با سطوح محاسبه شده از طریق روش استاندارد (خط چین‌ها) دارند.



منطق این امر آن است که بسیاری از مبادله کنندگان دوست دارند از نسبت‌های فیبوناچی استفاده کنند. مردم برای سطوح مرور، میانگین‌های تغییرات و غیره از آن‌ها استفاده می‌کنند.

چرا از آن‌ها برای نقاط نشانه هم استفاده نکنیم؟

به یاد داشته باشید که سطوح فیبوناچی و نقاط نشانه برای پیدا کردن تکیه و مقاومت استفاده می‌شوند. تعداد زیادی از مبادله کنندگان به این سطوح توجه دارند و در نتیجه می‌توانند خود شکوفا باشند.

کدام روش بهترین است؟

واقعیت این است که مانند تمام انواع نشانه‌های دیگری که تا اینجا یاد گرفتید، هیچ روشی بهترین نیست. واقعاً به این بستگی دارد که چطور اطلاعاتتان در مورد نقاط نشانه را با تمام ابزارهای دیگری که یاد گرفته‌اید ترکیب کنید.

فقط بدانید که بیشتر نرم‌افزارهای رسم نموداری که محاسبات اتوماتیک انجام می‌دهند معمولاً از روش استاندارد در محاسبه برای سطوح نقاط نشانه استفاده می‌کنند.

اما اکنون که می‌دانید چگونه این سطوح را به تنهایی محاسبه کنید، می‌توانید همه‌ی آن‌ها را امتحان کنید و ببینید کدامشان برای شما مناسب‌تر است. متمرکز نباشید!

خلاصه: نقاط تغییر

در اینجا چند توصیه‌ی ساده ارائه می‌کنیم که به شما کمک می‌کنند تصمیمات آگاهانه‌ای در زمینه‌ی مبادله با استفاده از نقاط نشانه بگیرید:

- نقاط نشانه از تکنیک‌های مورد استفاده‌ی مبادله کنندگان برای تعیین حوزه‌های بالقوه‌ی تکیه و مقاومت هستند.
- چهار روش اصلی برای محاسبه‌ی نقاط نشانه وجود دارد: استاندارد، وودی، کاماریلا و فیبوناچی.
- نشانه‌ها می‌توانند در خرید و فروش ارزش بسیار مفید باشند چون بسیاری از جفت‌های ارزی معمولاً بین این سطوح در نوسان هستند. بیشتر اوقات قیمت بین R1 و S1 متغیر است.
- نشانه‌ها را می‌توان بر حسب دامنه، تغییر ناگهانی و مبادله کنندگان از طریق روند به کار برد.
- مبادله کنندگان محدود به دامنه در نزدیکی سطوح مشخص شده‌ی تکیه وارد ترتیب خرید می‌شوند و زمانی که دو ارزش نزدیک به مقاومت می‌شوند، وارد ترتیب فروش می‌شوند.
- نقاط نشانه همچنین به مبادله کنندگان تغییر ناگهانی این امکان را می‌دهد که سطوح کلیدی را که باید شکسته شوند تا تغییری قدرتمند محسوب شود شناسایی کنند.

- مبادله کنندگان حس (یا روند) از نقاط نشانه برای تعیین ترقی یا افول یک جفت ارزی استفاده می‌کنند.
 - سادگی نقاط نشانه قطعاً باعث می‌شود که ابزار مفیدی برایتان باشند. آن‌ها به شما امکان این را می‌دهند که حوزه‌های احتمالی را که می‌توانند باعث تغییر قیمت شوند ببینید. با تغییرات بازار هماهنگ‌تر می‌شوید و تصمیمات بهتری برای معامله می‌گیرید.
- این کافی نیست که فقط از تحلیل نقاط نشانه استفاده کنید. یاد بگیرید که از نقاط نشانه همراه با دیگر ابزارهای تحلیل فنی از قبیل الگوهای شمعدان، عبور MACD، عبور میانگین تغییر، تصادفی، RSI و غیره استفاده کنید. هر چه تأیید بیشتری باشد، احتمال معامله‌ی موفق شما بیشتر می‌شود!